

خبر

سندرم خلیج فارس ابطال یک فرضیه ۳۰ ساله

● یک مطالعه «به‌طور قطع و یقین» ثابت کرده است «سندرم جنگ خلیج فارس» ناشی از استفاده از اورانیوم در مهمات نیروهای غربی علیه ارتش عراق نبوده، بلکه احتمالا بر اثر قرارگرفتن در معرض گاز سارین ایجاد شده است. ۲۵۰ هزار کهنه‌سرباز از بریتانیا، آمریکا و از دیگر کشورهای غربی، سه دهه بعد از پایان جنگ اول خلیج فارس [برای آژادسازی کویت]، همچنان از یک بیماری طولانی‌مدت رنج می‌برند.

به گزارش ایندیندینت، علائم حاد و مزمن آنان شامل خستگی، سردرد، درد مفاصل، سوءهاضمه، بی‌خوابی، سرگیجه، اختلالات تنفسی و مشکلات حافظه است و دانشمندان معتقدند که در اختلالات عصبی ریشه دارند. محققان دانشگاه پورتموث، مبتلایان را برای بررسی میزان آثار اورانیوم باقی‌مانده در بدن آنها آزمایش کردند و گفتند این مطالعه به‌طور قطع و یقین ثابت می‌کند که هیچ‌یک از این افراد در معرض مقادیر قابل توجهی از اورانیوم نبوده‌اند. پروفیسور رندل پاریش گفت: «ده‌ها، پزشکان و دانشمندان، به دنبال علت سندرم جنگ خلیج بوده‌اند.» او افزود: «بدن این افراد هیچ‌گاه در معرض آن اندازه اورانیوم نبوده است که باعث بیماری شود. این برای بسیاری ازجمله این افراد که برای ۳۰ سال فکر می‌کردند مشکلات‌شان احتمالا ناشی از قرارگرفتن در معرض اورانیوم است، باعث تعجب خواهد بود.»

این آزمایش با استفاده از یک روش بسیار حساس ردگیری اورانیوم همراه با مدل‌سازی متابولیک، کاهش پیش‌بینی‌شده در اورانیوم تخلیه‌شده از سوخت‌وساز طبیعی را با گذشت زمان و احتمال قرارگرفتن این افراد در معرض تشعشع‌های اورانیوم، اندازه‌گیری کرده است. بر اساس مطالعه انجام‌شده با دکتر رابرت هیلی، از دانشگاه پزشکی سات‌وسترن تگزاس در دالاس که در مجله نیچر ساینتیفیک ریپورتر منتشر شده، هیچ اثری از اورانیوم ضعیف‌شده در نمونه‌های ادرار یافت نشده است. این روش که ۱۰ برابر نسبت به روش‌های قبلی دقیق‌تر است، هیچ تفاوت معناداری را بین افراد آزمایش‌شده و گروه کنترل کشف نکرده است.

مقامات ارتش بریتانیا می‌گویند که تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد از میان بیش از ۵۳ هزار سرباز بریتانیایی که به عنوان بخشی از کارزار تحت رهبری ایالات متحده برای آزادسازی کویت از اشغال عراق شرکت کردند، بیش از ۳۳ هزار نفر با این سندرم زندگی می‌کنند. حدود هزارو ۳۰۰ نفر نیز به دلیل شرایطی که با شرکت در آن جنگ گرفتارش شده‌اند، مستمری جنگ می‌گیرند.

این پدیده، رئیس سیاست‌گذاری و تحقیقات لژیون سلطنتی بریتانیا گفت: «ما از تحقیقات بیشتری که به بهبود درک ما از علت مشکلات کهنه‌سربازان جنگ اول خلیج فارس کمک کند، استقبال می‌کنیم اما تاکنون تحقیقات معناداری که درمان مؤثری را برای پایان دادن به رنج این افراد پیشنهاد کند، منتشر نشده است. به احتمال زیاد، عدم شناخت ما از علت این مشکلات تأثیر جدی داشته و بسیاری از کهنه‌سربازان را ۳۰ سال پس از پایان جنگ با شرایط ناتوان‌کننده درگیر کرده است.»

سخنگوی وزارت دفاع بریتانیا گفت: «ما مدیون همه کسانی هستیم که در جنگ‌های خلیج فارس به کشور ما خدمت کردند و از تحقیقات درباره تأثیرات این درگیری بر کهنه‌سربازان حمایت کرده‌ایم. اگرچه برنامه‌ای برای انجام مطالعات بیشتر نداریم، اما هر تحقیقی که در باره سندرم جنگ خلیج در سراسر جهان منتشر می‌شود، بررسی می‌کنیم.»

با وجود سابقه طولانی جو بایدن، رئیس‌جمهوری جدید ایالات متحده، به‌عنوان یک حامی بین‌الملل‌گرایی لیبرال، متحدان واشنگتن از این سیاست در چهار سال گذشته آسیب‌های فراوانی متحمل شده‌اند. درحال‌حاضر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری سابق ایالات متحده، بعد از بایدن دومین فردی است که شانس سوکند ریاست‌جمهوری در بیستم ژانویه ۲۰۲۵ را دارد و همین موضوع می‌تواند باعث نگرانی باشد. متحدان ایالات متحده با تجربه چهار سال گذشته و محبوبیت بالای ترامپ، این نگرانی را دارند که در صورت اعتماد و اتکای مجدد به ایالات متحده، چهار سال دیگر باز هم تجربه سه‌سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ تکرار شود. به نوشته فارین‌افرز، بنابراین سؤال اساسی شرکای واشنگتن این است که «چرا ما باید دوباره روی اعتماد به ایالات متحده سرمایه‌گذاری کنیم، درصورتی‌که ممکن است چهار سال دیگر مجدداً ترامپ به قدرت برسد؟». به همین دلیل بسیاری از متحدان ایالات متحده، هنگام برگزاری دومین دادگاه استیضاح دونالد ترامپ امیدوار بودند سنای آمریکا و او را برای همیشه از تصدی مقام فدرال منع کند. با اینکه پوپولیسم راست‌گرا و ملی‌گرایانه تنها به ترامپ محدود نمی‌شود و این دیدگاه هواداران بسیاری در جهان دارد، اما عدم امکان کاندیداتوری ترامپ برای انتخابات ۲۰۲۴ این اعتمادبه‌نفس را در اختیار متحدان واشنگتن قرار می‌داد تا با خیالی آسوده‌تر به احیای روابط با دولت بایدن بپردازند و نسبت به بازگشت ترامپ نگرانی نداشته باشند. می‌توانیم فرض کنیم که ترامپ یا هر شخص دیگری که تحت تأثیر موج ترامپیسیم قرار دارد، چهار سال بعد دوباره در واشنگتن به قدرت بازگردد. در چنین سناریویی، متحدان ایالات متحده ازجمله ژاپن و استرالیا در اقیانوس آرام و بریتانیا، فرانسه و آلمان در اروپا چه رویکردی باید در پیش بگیرند؟ از دیدگاه این شرکا، فارغ از اینکه چه شخصی در کاک سفید حضور داشته باشد، نمی‌توان جایگزینی برای ایالات متحده متصور شد. از این منظر، هر نقص و کاستی که در این کشور وجود داشته باشد، واشنگتن همچنان به‌عنوان شریک ضروری در مقابله با چالش‌های منطقه‌ای و جهانی باقی خواهد ماند. بدون تردید در دیدگاه بیرونی از آنچه «خودمختاری استراتژیک اروپا» نامیده می‌شود هم می‌توان تصدیق کرد که خودمختاریون مستقل‌ترم کنارگذاشتن همکاری دوجانبه با ایالات متحده نیست. اگر اروپایی‌ها تشخیص دهند که منافع استراتژیک آنها در مشارکت با ایالات متحده بیشتر تأمین می‌شود، پس هدف آنها باید تأمین مشارکتی با واشنگتن باشد که تا حد امکان قابل اعتماد و ماندگار بماند.

جهان



تردید به پدرخوانده

نگرانی متحدان آمریکا از به‌قدرت‌رسیدن دوباره ترامپ ضرورت همکاری با بایدن را بیشتر کرده است

لزوم تغییر ۲ نگاه

این نتیجه‌گیری باید منجر به دو تغییر تفکر نزد اروپایی‌ها شود؛ اول اینکه آنها باید به‌دنبال همکاری با دولت بایدن باشند تا اطمینان حاصل شود که تعامل ایالات متحده با شرکا و متحدان می‌تواند منافع هر دو آمریکا را هم تأمین کند و همچنین اطمینان حاصل شود که ادامه اتحاد با ایالات متحده می‌تواند رأی‌دهندگان اروپایی را هم به ادامه این روند و فاصله‌گرفتن از پوپولیسم راست‌گرا امیدوار کند. نکته دوم هم اینکه نباید به ایالات متحده به‌عنوان تنها سنگ‌بنای حمایت از دموکراسی و آزادی نگریسته شود. واشنگتن باید یکی از مشارکت‌کنندگان در این مسیر باشد و همکاری با آمریکا باید در همکاری نهادها و فرایندها قابل مشاهده باشد. ترامپیسیم مانند دیگر اشکال پوپولیسم، بر پایه اصول نیست، بلکه بر فرصت‌طلبی استوار شده است. اگر قرار باشد ایالات متحده یک رئیس‌جمهور دیگر همفکر ترامپ داشته باشد، یکی از راه‌های پیش‌روی متحدان و شرکای ایالات متحده برای ایجاد مشارکت توجیه بیشتری به تأثیرگذاری سیاست‌ها و اقداماتشان در بان روزانه کارگران نشان دهند. این بهترین اقدام برای خلع‌سلاح‌کردن پوپولیست‌هاست. از طرف دیگر چالشی اقتصادی و سیاسی که چین در سال‌های اخیر ایجاد کرده، نگرانی فراینده چپ‌گرایان و راست‌گرایان و وعده داده است که از میزان رفاه خانواده‌ها در

رویکرد متفاوت دولت بایدن در قبال شاهزاده سعودی

پیش‌لرزه‌های یک گزارش جنجالی

پنهان قتل فجیع روزنامه‌نگار سعودی را روشن می‌کند و می‌تواند به کابوسی برای محمد بن‌سلمان تبدیل شود؛ آن‌هم در روزهایی که او باید خود را برای شرایط جدید در خاورمیانه آماده کند و دیگر حامی بزرگش _ترامپ_ در رأس امور نیست. «دیوید اوتاوی»، کارشناس امور عربستان در مرکز ویلسون، دراین‌باره می‌گوید: ممکن

است انتشار گزارش خاشقجی، روابط پرتنش عربستان و آمریکا را به سطوح بسیار پایینی برساند. از سوی دیگر، دولت جدید آمریکا می‌کوشد عربستان را درخصوص دیگر مسائل حقوق‌بشری ازجمله آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصر از مدافعان حقوق زنان تحت فشار بیشتری قرار دهد. «کوثر مایر»، مدیر مرکز تحقیقات مربوط به جهان عرب نیز بر این باور است که عربستان سعودی در دوره زمامداری جو بایدن با دشواری‌های زیادی روبه‌رو خواهد شد و باخت سیاسی این کشور بیش از سایر کشورهای منطقه خواهد بود.

سخنگوی کاخ سفید همچنین در نخستین موضع‌گیری رسمی واشنگتن درباره مواجهه با ریاض گفت که ما خواستار تجدیدنظر در مناسبات خود با ریاض هستیم و می‌خواهیم این مناسبات را از نو

را در ایالات متحده برانگیخته است. بااین‌حال، اتحادیه اروپا منافع خاص خود را در رویکرد استراتژیک با چین دارد و یکن‌را به‌عنوان «رقب سیستماتیک» خود معرفی کرده است؛ بنابراین اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن باید با دولت بایدن همکاری کنند تا اطمینان حاصل شود که موفقیت استراتژی ایالات متحده برای مدیریت رقابت با چین تا حد زیادی به همکاری گسترده با اتحادیه اروپا بستگی دارد. در واقع هدف اروپایی‌ها باید اطمینان از این امر باشد که اگر یک ترامپیسست دوباره در واشنگتن به قدرت برسد، وارث شرایطی شود که آسیب‌رساندن به روابط ایالات متحده و اتحادیه اروپا از نظر سیاسی و اقتصادی به اقدامی هزینه‌بر غیر قابل‌توجیه تبدیل شود. همان‌طورکه کنارگذاشتن آلمان غربی برای رونالد ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا، در دوران پایانی جنگ سرد امری ناممکن بود. علاوه بر کمک به محبوبیت و توجه‌پذیرتربودن همکاری‌های بین‌المللی در ایالات متحده، حتی نزد راست‌گرایان و ترامپیسست‌های آمریکایی، شرکا و متحدان واشنگتن باید با دولت بایدن همکاری کنند تا نهادها و روش‌های اساسی لازمه این‌گونه همکاری و تعامل را هم بازسازی و تقویت کنند. هدف آنها نه‌تنها باید بر اقدامات جمعی مؤثر در رویارویی با چالش‌های مشترک متمرکز شود، بلکه باید همکاری نزدیک به معنی ایجاد انگیزه برای ادامه مشارکت و افزایش هزینه‌های خروج یک‌جانبه را هم مانند آنچه در دوران ترامپ دیدیم، شامل شود. مؤسسات بین‌المللی مؤثر و توافق‌نامه‌ها و همکاری‌های مداوم می‌توانند دولت‌ها-ازجمله دولت ایالات متحده را کمتر به بازگشت مجدد به یک‌جانبه‌گرایی ترغیب کنند. نباید هیچ راهی برای بازگشت به عقب از سوی هرکدام از طرفین وجود داشته باشد و اگر تمایلی برای این کار نزد هرکدام مشاهده شود، هزینه‌های آن به اندازه‌ای زیاد باشد که حتی فردی مانند ترامپ را هم برای پایبندی به تعهدات متقاعد کند. بااین‌حال حتی اگر متحدان واشنگتن نتوانند نگرانی خود را از بازگشت ترامپ پنهان کنند، این نگرانی از خرد استراتژیک همکاری آنها با ایالات متحده برای تقویت پایه‌های دولت‌های دموکراتیک در برابر چالش‌های جهانی و رویارویی هم‌رهبان هر دو سوی اقیانوس اطلس می‌تواند توجه بیشتری به تأثیرگذاری سیاست‌ها و اقداماتشان در بان روزانه کارگران نشان دهند. این بهترین اقدام برای خلع‌سلاح‌کردن پوپولیست‌هاست. از طرف دیگر چالشی اقتصادی و سیاسی که چین در سال‌های اخیر ایجاد کرده، نگرانی فراینده چپ‌گرایان و راست‌گرایان

ایالت‌های کمتربخوردار به‌عنوان متر و معیاری برای سیاست خارجی دولت بایدن استفاده کند. شرکا و متحدان ایالات متحده باید برای کمک به تحقق این وعده با دولت جدید آمریکا همکاری کنند. البته این به معنای کنارگذاشتن منافع خود در توافق‌نامه‌های تجاری یا رویارویی با چالش‌های اقلیمی نیست، بلکه در اولویت قراردادن مناطقی است که طبقه متوسط بیشتری در آن زندگی می‌کنند و نظر آنها در انتخابات اثرگذارتر است. **افزایش هزینه بازگشت به یک‌جانبه‌گرایی**

برای روشن‌کردن موضوع باید این نکته را در نظر داشت که این به معنای تأیید رویکرد آمریکایی‌ها یا اروپایی‌ها نسبت به پوپولیست‌ها نیست، بلکه موضوع مهم یافتن راهی برای خلع‌سلاح‌کردن آنهاست. در درازمدت، کارگران در دیترویت آمریکا و دوسلدورف آلمان، هر دو علاقه‌مند به جهانی هستند که بتواند از حیثیت، امنیت و رفاه آنها محافظت کند. در کوتاه‌مدت هم رهبران هر دو سوی اقیانوس اطلس می‌توانند توجه بیشتری به تأثیرگذاری سیاست‌ها و اقداماتشان بر نان روزانه کارگران نشان دهند. این بهترین اقدام برای خلع‌سلاح‌کردن پوپولیست‌هاست. از طرف دیگر چالشی اقتصادی و سیاسی که چین در سال‌های اخیر ایجاد کرده، نگرانی فراینده همکاری‌های

ارشد مؤسسه بروکینگز نیز می‌گوید: «باید پیام روشنی به خانواده سلطنتی فرستاد؛ تا زمانی که بن‌سلمان به‌عنوان ولیعهد شناخته می‌شود و در صف جانشینی قرار دارد، با ریاض مانند یک «طردشده» رفتار خواهد شد.» او ادامه می‌دهد که نمی‌دانم دولت بایدن به چه چیزی می‌اندیشد اما بهترین نتیجه برای عربستان زمانی حاصل می‌شود که بن‌سلمان کنار گذاشته شود و بازنگشته‌ای‌اش را در عمارت خود در فرانسه سپری کند. اما «ست پایندر» که در پروژه «دموکراسی در خاورمیانه» فعالیت می‌کند، نظر دیگری دارد و بر این نکته تأکید می‌کند که اعتقادی ندارم شاهزاده محمد توسط بایدن کنار گذاشته شده باشد؛ رئیس‌جمهوری آمریکا تاکنون تصمیم گرفته بود که با بسیاری از رهبران خاورمیانه تماس بگیرد و محمد بن‌سلمان هم می‌تواند یکی از این رهبران باشد؛ مانند نتانیا‌هو که بایدن چهارشنبه گذشته برای نخستین‌بار با او تلفنی گفت‌وگو کرد. درحالی‌که رؤسای‌جمهوری دیگر آمریکا معمولاً در هفته نخست با متحد اسرائیلی خود تماس می‌گرفتند. او این‌گونه ادامه می‌دهد که در حقیقت دولت بایدن می‌خواهد این تصور را که ولیعهد «سعودی نمادی از کل کشور است نه‌تنها یک فرد، از بین ببرد؛ در واقع این ایده که او [شاهزاده محمد] مصلح است و می‌خواهد عصر جدیدی را در عربستان ایجاد کند، برای بایدن قابل پذیرش نیست، اما بایدن نباید فراموش کند که در نهایت مجبور به همکاری با کشورهای خودکامه خواهد شد؛ بنابراین تعامل با عربستان سعودی به ولیعهدی بن‌سلمان، موضعی نیست که دولت جدید واشنگتن بتواند از آن فاصله بگیرد.

پیشنهاد‌های بلندپروازانه دیرکل ناتو برای افغانستان

با هم رفتیم، با هم خارج می‌شویم

دیرکل ناتو پس از نخستین دیدار با لوید آوستین، وزیر دفاع جدید آمریکا از فصل جدیدی از همکاری‌ها سخن می‌گوید. یکی از موضوعات اصلی خروج نیروهای ناتو از افغانستان است که احتمالا تا دو ماه دیگر عملی نخواهد بود. به گزارش دویچه‌وله، این نخستین دیدار وزیران دفاع کشورهای عضو ناتو با همتای جدید خود از واشنگتن بود. ینس استولتنبرگ از «افزاز فصلی جدید» در همکاری‌ها با آمریکا در راستای رویارویی با چالش‌های جهانی سخن گفته است؛ چالش‌هایی که به گفته استولتنبرگ هیچ‌کس به تنهایی قادر به غلبه بر آنها نخواهد بود. دیرکل ناتو در این نشست تصریح کرد: «می‌خواهیم پیمان (اتحاد) میان آمریکا و اروپا را تقویت کنیم». ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، چهار سال دشوار برای دیریکل ناتو و این‌پیمان بود. استولتنبرگ چهار سال تلاش کرد مفهوم «اقدام مشترک» را با توجه به چالش‌های جهانی، به رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا یادآوری کند؛ نقش‌آفرینی‌ا اما در برابر مخالفی جدی همچون ترامپ آسان نبود. استولتنبرگ با وجود تمام سختی‌ها در همکاری با آمریکا در چهار سال گذشته، اما موفق شد در این برهه دشوار از ایجاد شکاف جلوگیری و نقش

معرفی کتاب

روایت یک سال طاقت فرسا

● تابستان ۲۰۱۳ «بوه»، پسر بزرگ جو بایدن، با تشخیص پزشکان متوجه شد به نوعی تومور مغزی بدخیم مبتلاست. بایدن که آن زمان معاون باراک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات متحده بود، این موضوع را با کمترین کسسی در میان گذاشت و تلاش کرد تا غم و ناراحتی خود را بروز ندهد. اما سرانجام راز بزرگ زندگی خانواده بایدن برملا شد و «بوه»، کهنه‌سرباز جنگ عراق و دادستان سابق ایالت «دلاور»، در ۳۰ می ۲۰۱۵ و در ۴۶سالگی جان باخت.

کتاب «به من قول بده پدر، یک سال امیدواری، سختی و هدف والا» که ترجمه فارسی آن از سوی نگاه نوین با ترجمه حسین یاغچی منتشر شده، روایتی از زندگی جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در یک سال پس از درگذشت پسرش است. آنچه دربار این کتاب به قلم جو بایدن قابل توجه است این است که او خواننده را با عذاب و دشواری‌های روزهای بیماری پسرش و سپس ماتم برای فقدان او با وجود مسئولیت‌های سنگین یک معاون رئیس‌جمهور همراه می‌کند.

سال ۲۰۱۶ مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین سال در زندگی و حرفه جو بایدن بود؛ او هم باید با فقدان پسر خود کنار می‌آمد و هم در آخرین سال ریاست‌جمهوری باراک اوباما، با چالش‌های بسیاری در نقاط مختلف جهان دست‌وپنجه نرم می‌کرد. بایدن در آن سال ده‌ها هزار کیلومتر را میان نیویورک، واشنگتن، عراق، اوکراین و آمریکای مرکزی می‌پیمود و در تمام این سفرها «بوه» از پدرش می‌خواست که برای گذران دوره بیماری به او کمک کند: «پدر به من قول بده» و پاسخ جو بایدن همیشه و در بحران‌ترین شرایط هم مثبت بود. در این سال طاقت‌فرسا جو بایدن از یک‌سو مسئولیت‌های خانوادگی را انجام می‌داد و از سوی دیگر به تعهداتش در قبال کشورش پایبند بود. در نهایت هم فرسودگی ناشی از انجام هر دو مسئولیت و عدم‌دست‌دادن پسر باعث شد تا در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ نامزد نشود و هیلاری کلینتون به جای بایدن وارد میدان رقابت شود.

زندگی بایدن در دوران بیماری «بوه» پر از لحظات سوررئال بود؛ یک دقیقه او کنار بالین پسرش در بیمارستان نشسته بود و دقیقه‌های دیگر در اتاقی در همان نزدیکی با نخست‌وزیر عراق مذاکره می‌کرد.

بایدن در این کتاب بارها و بارها ادعا می‌کند که اگر در سال ۲۰۱۶ برای ریاست‌جمهوری کاندیدا می‌شد، موفق می‌شد ترامپ را شکست دهد. اما ابتدا تصمیم او به دلیل سرطان پسرش به تأخیر افتاد و سپس با مرگ «بوه» از نامزدی برای انتخابات ریاست‌جمهوری منصرف شد. اگرچه جو بایدن بارها از پدرش خواسته بود نامزد نامزدی‌اش در انتخابات ۲۰۱۶ شد و چهار سال بعد در انتخابات ۲۰۲۰ نامزد شد و توانست در انتخاباتی جنجالی دونالد ترامپ را شکست دهد. و به ریاست‌جمهوری ایالات متحده انتخاب شود. اگر «بوه» نمی‌مرد و بیاژ هم اگر بایدن در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات می‌توانست بر هیلاری کلینتون غلبه کند، حداقل دستمزد ۱۵ دلار ساعت، شهریه رایگان در کالج‌های عمومی، حقوق برابر مردان و زنان و نوسازی زیرساخت‌های کشور، ازجمله مهم‌ترین اولویت‌های بایدن بود که اکنون با چهار سال تأخیر در حال پیگیری این برنامه‌هاست.

بایدن قبل از آنکه رئیس‌جمهور شود نزدیک به چهار دهه در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا حضور داشت و هشت سال هم معاون باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده بود. بایدن درباره پیشنهاد اوباما به او برای سمت معاون ریاست‌جمهوری می‌نویسد: «باراک اوباما برای اولین‌بار در ۲۰۰۸ بعد از اینکه رای کافی را برای نامزدی نهایی حزب دموکرات به دست آورد، با من تماس گرفت تا پیشنهاد دهد به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور همراه انتخاباتی‌اش باشم. من در قمار به سمت خانه‌ام در ویلمینگتون در حرکت بودم که تلفنم زنگ زد. اجازه می‌خواست تا من را برای تحقیق معرفی کند و من گفتم، نه. به او گفتم به هر طریقی که بتوانم به تو کمک خواهم کرد، اما نمی‌خواهم معاون رئیس‌جمهور باشم. این حرف را کاملا جدی گفتم. اینکه از من چنین درخواستی شده بود باعث افتخار من بود، ولی ۳۵ سال بود که سناتور بودم، کاری که عاشقش بودم، آن‌هم در نهادهی که آن را تکریم می‌کردم. به‌عنوان یک قانون‌گذار قوی، احترام کسب کرده بودم و سابقه زیادی داشتم. آقای خودم بودم و از کارم لذت می‌بردم. در ضمن معتقد بودم می‌توانم در سمت رئیس کمیته روابط خارجه مفیدتر واقع شوم تا معاون رئیس‌جمهور.»



به‌من قول بده پدر

جو بایدن
ترجمه: حسین یاغچی
نشر: نگاه نوین